

عنوان نشست: ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست	دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
مسئول نشست	دکتر مهدی علیپور حافظی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست	۱۳۹۸/۰۷/۰۱
اعضای هیئت علمی	دکتر مصطفی قادری، دکتر میترا صمیعی، دکتر علیرضا صادقی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط	سید سعید بدیعی (معاون مدیر کل دفتر تکنولوژی‌های آموزشی و کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش)، دکتر سیما ویسی‌نژاد (متخصص حوزه مطالعات خواندن)
مسئله محوری نشست	نهادینه‌سازی فرهنگ مطالعه در مدارس ابتدائی
سازمان‌های هدف توصیه‌های سیاستی	وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

چکیده مباحث طرح شده:

یکی از مشکلات اساسی در کشور پایین بودن سرانه مطالعه است. در حقیقت شکل‌گیری فرهنگ مطالعه در افراد هر جامعه‌ای از نهاد خانواده و سپس مدرسه در دوران ابتدائی آغاز می‌شود. لذا باید توجه کافی به این موضوع در تربیت نسل آینده جامعه کرد. از این رو ضروری است تا نهادهای مرتبط اقدامات مقتضی را در جهت زمینه‌سازی برای نهادینه شدن مطالعه در افراد جامعه به عمل آورند. بر این اساس نشست حاضر با بازبینی و بررسی نقش وزارت آموزش و پرورش در این زمینه و بسترسازی برای ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان در دوران ابتدائی برگزار شد. در این نشست سعی شد تا اقدامات زیربنایی و اجرایی در جهت ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان مورد بحث قرار گیرد و بر مبنای تجربیات داخلی و خارجی اقدام به شناسایی راهکارهای اجرایی در فرهنگ‌سازی مطالعه در کودکان و نوجوانان شود.

توضیح دقیق اهداف نشست همراه با ذکر چالش‌ها و مشکلات پیش رو و خلاصه دیدگاه‌های مطرح در این باره:

مطالعه به اختصاص زمانی هدفمند برای افزایش دانش در افراد گفته می‌شود، بنابراین تعریف مطالعه با کتاب‌خوانی یکسان در نظر گرفته نمی‌شود و کتاب‌خوانی می‌تواند یکی از مصداق‌های مطالعه باشد. در ایران اقدام‌های متعددی در راستای افزایش مطالعه توسط ارگان‌های مختلف دولتی و شبه دولتی با هدف ایجاد عادت به مطالعه انجام می‌گیرد. از جمله این اقدام‌ها می‌توان به برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و نمایشگاه‌های دوره‌ای در شهرهای مختلف کشور توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارائه یارانه برای تأمین کاغذ جهت انتشار روزنامه و کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایجاد کتابخانه‌های عمومی توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، معاونت فرهنگی شهرداری‌های سراسر کشور و نهادهای مرتبط دیگر، خرید نسخه‌های متعدد از کتاب‌های منتشر شده توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی و سازمان‌های دیگر، تولید بسته‌های آموزشی و کمک آموزشی توسط وزارت آموزش و پرورش. در تمام این اقدام‌ها هدف، افزایش سرانه مطالعه در کشور تعریف می‌شود و انتظار می‌رود که سرانه مطالعه افزایش یابد. این در حالی است که در عمل چنین افزایشی را در سطح مطالعه در کشور مشاهده نمی‌کنیم و در نتیجه آمارهای متعددی از سرانه مطالعه در کشور با ارقام متفاوت ارائه می‌شود که همین امر نشان از نتیجه‌بخش نبودن این اقدام‌ها است. بنابراین مشخص می‌شود که نتیجه اقدام‌های اجرا شده افزایش سرانه مطالعه در کشور نیست و ممکن است نتایج دیگری، از قبیل رونق کسب و کار فروش کتاب، افزایش غیرطبیعی تعداد ناشران و غیره از چنین اقدام‌هایی حاصل شود.

از طرفی نیز ایجاد فرهنگ مطالعه در جامعه ابتدا در نهاد خانواده و سپس در نهاد مدرسه به عنوان نخستین نهادی که کودک در جامعه با آن ارتباط برقرار می‌کند و سپس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سطح کلان کشور شکل می‌گیرد. بنابراین نیاز به مطالعه چندبعدی در حوزه مطالعه از منظر روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، علم اطلاعات و

دانش‌شناسی در سطوح مختلف است. علاوه بر این در راستای ایجاد فرهنگ مطالعه و افزایش سرانه مطالعه در کشور نیاز به همکاری وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلفی است که به نحوی (مستقیم یا غیرمستقیم) در ارتباط با این حوزه فعالیت می‌کنند. به بیانی دیگر می‌توان گفت که نیاز به عزمی ملی و تفکری جامع توسط نهادهایی فرا وزارتخانه‌ای و ملی است.

همان‌گونه که اشاره شد وزارت آموزش و پرورش در مقطع ابتدائی، نخستین ارگان ملی در نهاد جامعه در کشور است که کودک و نوجوان ارتباط مستقیم و جدی با آن دارد. لذا این وزارتخانه به عنوان یکی از نهادهای درگیر در فرهنگ مطالعه در جامعه در رأس هرم برخورد با این معضل در جامعه قرار دارد. از این رو معاونت ابتدائی وزارتخانه مذکور ضرورتاً با این مسأله باید در ارتباط بوده و سازوکارهای اجرایی متعددی را در این زمینه به عمل آورد. بر این اساس در نشست ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس، تلاش شد تا عملکرد این معاونت و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان نهادهایی که مسئولیت تولید کتاب درسی، برنامه درسی و بسته‌های آموزشی را بر عهده دارند، و نیز وضعیت برخی کشورهای پیشرفته بر اساس مشاهدات موجود مورد بررسی قرار گیرد تا بر اساس آن راهکارهای عملیاتی شناسایی و پیشنهاد شود.

محورهای بحث‌های صورت گرفته توسط اعضای پنل و نیز حضار که از مدارس مختلف شهر تهران، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی و علوم تربیتی، و نیز واحدهای مختلف معاونت ابتدائی وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در این نشست شرکت کرده بودند در سه حوزه محتوا، آموزش و ایجاد زیرساخت مطرح شدند که در ادامه به این حوزه پرداخته شده است.

از منظر محتوا، نظام آموزشی کشور ما در مدارس، متکی بر کتاب درسی است و کمتر به منابع اطلاعاتی خارج از کتاب درسی پرداخته می‌شود. برنامه درسی نیز به قدری فشرده است که مدارس و معلمان فرصت پرداختن به مباحث جانبی و منابع غیردرسی و مرتبط با مطالب درسی ندارند. در کتاب‌های درسی نیز تلاش می‌شود تا هر آنچه کودک لازم است بداند در اختیارش قرار گیرد و ارجاع به منابع خارج از کتاب درسی صورت نمی‌گیرد. از طرفی نیز

محتوای مناسب آموزشی مستقیم و غیرمستقیم، غیر از کتاب درسی نیز کمتر منتشر می‌شود. از این رو با فقر محتوای غیردرسی نیز مواجه هستیم. همین دو موضوع (تمرکز بر محتوای کتاب درسی و فقر محتوای غیردرسی مناسب) باعث می‌شوند کودکان، کمتر به سمت مطالعات غیردرسی رهنمون شوند. این در حالی است که مشاهدات عینی اساتید پنل نشان داد که محتوای آموزشی در برخی از کشورهای پیشرفته، متکی بر منابع کمک درسی و حضور و استفاده فراوان از سازمان‌هایی مانند کتابخانه‌های مدارس و کتابخانه‌های عمومی با تأکید بر خدمات کودک و نوجوان است.

از منظر آموزش نیاز جدی به آموزش معلمان و مدیران در مدارس و دانشجو معلمان در دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه‌های دیگر در حوزه استفاده از منابع غیر درسی و کتابخانه وجود دارد. در وضعیت موجود معلمان آشنایی با شیوه‌های استفاده از کتابخانه و منابع موجود در کتابخانه‌های مدارس ندارند و کتابخانه‌های مدارس نیز دارای منابع و کتابداران متخصص در حوزه مشاوره در محتوای درسی نیستند. لذا ضروری است آموزش‌های لازم برای معلمان و کتابداران در مدارس، در حوزه اقدام‌های عملی در ایجاد فرهنگ مطالعه صورت گیرد تا معلمان و کتابداران و منابع اطلاعاتی موجود (به عنوان سه ضلع ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس) در یک راستا و با هدف مشترک بتوانند در ایجاد فرهنگ مطالعه به شیوه‌ای مؤثر عمل کنند. در این زمینه لازم است دانشجو معلمان به عنوان معلمان آینده، دانش مورد نیاز در حوزه سواد اطلاعاتی را کسب کنند تا در مدارس بتوانند عملکردی مطلوب، در راستای ایجاد فرهنگ مطالعه داشته باشند.

از منظر زیرساخت، مدارس دارای محدودیت‌هایی نظیر کمبود فضای آموزشی و تغییر کاربری فضاهای در نظر گرفته شده برای امور کمک درسی مانند کتابخانه و آزمایشگاه، دسترسی محدود به فضاهای مورد نیاز در آموزش مسائل مختلف به کودکان، دسترسی به اینترنت و شبکه وب و شبکه‌های آموزشی و علمی امن برای گروه‌های سنی مورد نظر و غیره هستند. این مسائل باعث می‌شوند تا وابستگی و محدودیت به کتاب‌های درسی به عنوان تنها مراجع ضروری برای مطالعه تشدید شود. در چنین بستری است که خواندن و حفظ محتوای

کتاب‌های درسی به عنوان یک ضرورت بر کودک تحمیل می‌شوند و این نقطه تلاقی اجباری، تأثیری کاملاً منفی بر کودکان در جذب به مطالعه دارد. مشاهدات از گذشته آموزش و پرورش در برخی از مدارس شاخص در ایران و نیز کشور کانادا نشان داد که این بهره حساس در ایجاد فرهنگ مطالعه باید کاملاً جدی انگاشته شود و برنامه‌ریزی دقیق و جدی در این زمینه به عمل آید تا کودکان و نوجوانان به عنوان برون‌داد این مقطع حساس، افرادی با علاقت مطالعاتی و دانش بهره‌گیری از منابع متعدد اطلاعاتی و سواد اطلاعاتی مناسب باشند.

در مجموع مباحث مطرح شده در نشست نشان دادند که از منظر محتوا، آموزش و زیرساخت مسائل متعددی در مدارس ابتدائی وجود دارد و باید اقدام‌های مقتضی در این زمینه به عمل آیند تا بتوان فرهنگ مطالعه را در کودکان این جامعه نهادینه کرد تا در نتیجه آن شاهد افرادی در نسل آینده جامعه باشیم که مطالعه به عنوان بخشی مهم از زندگی روزمره آن‌ها باشد. علاوه بر این پیشنهادهایی برای برگزاری نشست‌های مشابه نشست حاضر در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مدارس و دانشگاه فرهنگیان توسط اعضای پنل و حاضران در نشست شد. بر این اساس تلاش می‌شود تا برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه انجام شود و بتوانیم به این موضوع حداقل در این ساختار موجود و با بهره‌گیری از متخصصان مختلف و مرتبط با این حوزه بپردازیم.

توصیه‌های سیاستی:

۱. ایجاد بخشی برای معرفی منابع برای مطالعه بیشتر در کتاب‌های درسی. ضروری است در هر بحثی از کتاب‌های درسی، منابع اطلاعاتی (کتابی و غیر کتابی) برای مطالعه بیشتر و کارهای عملی پیشنهاد شوند. بنابراین لازم است در کتاب‌های درسی، بخشی برای معرفی منابع برای مطالعه بیشتر اختصاص یابد. این امر کمک می‌کند تا منابع کمک درسی و غیردرسی به تدریج در محتواهای درسی وارد شده و وابستگی به کتاب درسی محض در نظام آموزش و پرورش ما کاهش یابد.

۲. کاهش فشار بر مدارس در محدود بودن به برنامه درسی مصوب. مدارس ضروری است زمان‌هایی برای مطالعات غیردرسی به اختیار خود داشته باشند تا بتوانند به فراخور نیاز برنامه‌های مطالعاتی غیردرسی و آزمایشگاهی را در آن ایام برای کودکان برنامه‌ریزی و اجرا کنند. لازم است برای نظارت بر چنین اقدام‌هایی انجمن‌های متعدد درگیر شده و برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر این زمان‌ها را برعهده بگیرند.
۳. ایجاد، تقویت و افزایش جایگاه کتابخانه در مدارس. بسیاری از مدارس به دلایل مختلف فاقد فضای مناسب برای کتابخانه هستند. علاوه بر این منابع ارائه شده در کتابخانه‌ها نیز مناسب برای کودکان و نوجوانان نیستند و ارتباطی با محتوای کتاب‌های درسی ندارند. از این رو ضروری است تا کتابخانه‌های مناسب با معماری مناسب و محتوای مناسب و در عین حال در فضایی مناسب با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های روز این حوزه در مدارس ایجاد شوند. این کتابخانه‌ها می‌توانند تأثیر بسزایی در ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان داشته باشند.
۴. بهره‌گیری از کتابداران متخصص در کتابخانه‌های مدارس. شکل‌گیری مجتمع‌های آموزشی کمک کرده تا بتوانیم کتابخانه‌هایی مجهز و مناسب را در این فضاها به صورت اشتراکی ایجاد کنیم. بهره‌گیری از دانش علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ایجاد ارتباط مستقیم بین آن‌ها با معلمان و محتوای کتاب‌های درسی باعث خواهد شد تا دانش آموزان شاهد امکانات مناسب برای استفاده در محتوای درسی خود باشند. همین امر یکی از دلایل اصلی در ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان و نوجوانان خواهد بود.
۵. آموزش سواد اطلاعاتی به معلمان در مدارس و دانشجو معلمان در دانشگاه فرهنگیان و سایر دانشکده‌های علوم تربیتی. معلمان برای اینکه بتوانند به فرهنگ‌سازی مطالعه در دانش آموزان اهتمام بورزند، باید خودشان دارای سواد اطلاعاتی مناسب بوده و اهل مطالعه باشند. از این رو باید به این موضوع در تربیت معلمان آینده و نیز افزایش دانش آن‌ها در قالب دوره‌های ضمن خدمت به صورت جدی پرداخته شود. این دوره‌ها می‌توانند در

قالب برنامه‌های درسی آن‌ها گنجانده شود و یا در قالب کارگاه‌های آموزشی به آن‌ها آموزش‌های لازم داده شود.

۶. **تشکیل کارگروه انتخاب کتاب‌های مدارس.** به دلیل اهمیت انتخاب کتاب برای کتابخانه‌های مدارس و پشتیبانی آن‌ها از محتوای کتاب‌های درسی و برنامه درسی مدرسه، پیشنهاد می‌شود کارگروهی ویژه برای انتخاب کتاب با حضور نماینده‌ای از کتابدار متخصص مدارس (با تحصیلات علم اطلاعات و دانش‌شناسی) و یا متخصص علم اطلاعات و دانش‌شناسی، متخصص برنامه‌ریزی درسی و نماینده‌ای از معلمان در مقاطع مختلف تشکیل شود. در نتیجه چنین اقدامی می‌توان امیدوار بود که کتاب‌های مناسب و پشتیبان محتوا و برنامه درسی در کتابخانه‌های مدارس در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرد.

۷. **تجهیز کتابخانه‌های مدارس.** لازم است فضای کتابخانه مدرسه، جذاب و تحریک‌کننده افراد برای حضور در این مکان باشد. از این رو ضروری است تجهیزات مورد استفاده از کیفیت مناسب برخوردار بوده و به لحاظ ارگونومیکی مناسب برای شرایط جسمانی کودکان و نوجوانان باشد. این موضوع به همراه پیشنهاد ارائه شده در بند ۳ مبتنی بر شرایط مناسب در مکان فیزیکی استقرار کتابخانه در مدرسه می‌تواند شرایط مناسبی را برای استفاده از این امکانات در راستای عادت به مطالعه فراهم کند.